

... همین طور است که شما می گوید: انسان زنده باید هر روز خود را بسازد تا بتواند به فردا برسد؛ یعنی من امروز، اگر من دیروز هستم، پس در دیروز مانده ام و (در جا) زده ام. به بیان دیگر، خودسازی امروز ما به مفهوم ارتقای دانسته‌ها، داشته‌ها و فضیلت ماست. علم آموزی بی پایان است آن سان که نیکوکاری و خیرات بی‌مرز است.

یک پرسش آسان: آیا آنان که به خودزنی می‌رسند تا پولی به چنگ آورند تا نان و پتیری لقمه کنند به قیمت شکستن جسم و زخم جان، اینان هم در حال خودافزایی هستند و آیا بودن به هر قیمتی به مفهوم تعالی بخشی به هستی شخصی، خلنا لگی یا اجتماعی ماست؟

پاسخ دشوار این است برای برخی پله، وقتی گرسنه هستید، بدیهی است که عاشقی یادتان می‌رود؛ چون هم قلب و هم عقل در سستی و خموشی هستند، بنابراین شاید برای برخی ها بودن، مهم‌تر از چگونه بودن است.

آیا آن ۱۰ هزار و ۲۳ نفری که در ۹ ماه گذشته برای دریافت خسارت ناجوانمردانه از این و آن خودزنی کرده‌اند، تنها سرمایه خود را که «امید» است، از دست داده بودند که از راستی و درستی گذر کردند؟

۲ هزار و ۳۴۵ تن از آن جمعیت بیش از ۱۰ هزار نفری خودزن، از بانوان بوده‌اند؛ یعنی مثلا خواهر من یا مادر آن با همسرش آن دیگری، خود را قلع و قمع کرده‌اند تا در موقعیت‌های ممکن از این و آن باج بگیرند و ققدر تلخ و دردناک است این موضوع.

نکته: بخش پوشیده این خودزنی، جایی است که کار برخی خودزنان حرفه‌ای به‌نظام پزشکی نمی‌رسد تا آمار آنان هم محاسبه شود؛ مثل آن بانویی که در انبوان پرترا فیک، خود را در موقعیت آهسته در تصادم با یک

چه کسی بود او را زد؟

خودرو قرار می‌دهد و همان جا از راننده سرگشته، خسارت تصادف کاندبی گیر. این ساده‌ترین تصویر از خودزنی است که این بانویا آن آقا به زخم دست یا خراش پوست یا اکتفا می‌کنند؛ وگرنه آن خودزنی که نامش خودکشی است، داستان دیگری دارد. راست این است که وقتی یک‌ونیم میلیون بیکار، نیازمند کار هستند و قریب یک میلیون بیکار که پیش‌تر کار داشتند و حالا با حداقلی‌ای به نام بیمه بیکاری، روز و روزگاری می‌گذرانند و نگرانی این است که گرانی همچنان گریز پز یا بیبیکاری، دونده استقامت باشد و هر دو گردن اویز کرونا و هر سه سرسپرده محاصره اقتصادی باشند، آن وقت آمار خودزنان در اشکال مختلف از کادر این صفحه بیشتر می‌شود. وقتی نوجوانی از رنج بی‌پناهی، به‌دروغ، خود را قاتل معرفی می‌کند تا شب را در بازداشتگاه کلانتری به روز برساند، بعید نیست فردا و پس فردا نیازمند تحیقی یا تیزی سر شکسته‌ای در بزن، وگرنه وقیفه‌ها را بگیرد و بگوید: یا پول بده، یا است و خفت گیرها هر لحظه ممکن است آن را باز تکرار کنند! ولی من، منظورم نیازمند کم‌بینه و جته‌ای است که فقط زورش به خودش می‌رسد و بعد شما هاج‌وواج می‌مانید که چه کنید. من اگر باشم، چون پای فرار ندارم بی‌چکو چانه‌پولی می‌دهم اما اگر تعداد خودزنان زیاد شد، مجبورم تمام وقت خانه نشین شوم؛ یعنی اگر شرایط در حدیسان اندوه‌های کوچک نیازمندان باشد و اندوه‌های بزرگ خاموش باشد، هنوز امیدواری، همچنان تنها ثروت میلیون‌ها نیازمند است.

کاش به جای فرار از دست یک خفت گیر در دو سال پیش، پول کافی برای کمک به نیازمندان خودزن داشتم!

کاش آمار دردان نجومی و مال خوران قانون شکن، کمتر بود تا تعداد خودزنان از ۱۰ هزار نفر به ۱۰ تن هم نمی‌رسید!

تاریخ‌نگار

واکنش‌های خارجی به سخنان امام‌خمینی

وزارت امور خارجه دولت آمریکا که از حامیان اصلی رژیم شاه بود، پس از سخنان پرشور امام‌خمینی در روز ۱۲ بهمن ۵۷ در بهشت زهرا و مواضع صریح ایشان در مقابل سیاست مداخله‌جویانه آمریکا در ایران، این سخنان را ضدآمریکایی خواند. رژیم صهیونیستی نیز از بازگشت حضرت امام به ایران ابراز نگرانی کرد، زیرا به‌خوبی می‌دانست که امام و مردم انقلابی ایران از مخالفان سرسخت این رژیم غاصب و اشغالگر هستند. همچنین «تاس»، خبرنگاری رسمی دولت شوروی، در واکنش به بازگشت امام به کشور، اعلام کرد که بازگشت آیت‌ا... خمینی به ایران، سیر مبارزات را در آن کشور، وارد مرحله سرنوشت‌سازی کرده است. از طرف دیگر، در این روز مردم مشتاق دیدار امام، عازم اقامتگاه ایشان در مدرسه علوی تهران شدند. ایشان طی سخنانی برای مردم، رژیم پهلوی را مخالف عقل و حقوق بشر خواندند و تأکید کردند که هر ملتی حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند.

بودجه ۱۴۰۰؛ وقتی امید باز نیستگان کارگری رنگ می‌بازد

غلامرضا بنی‌اسدی

کارو کارگر، دو کلمه هستند بایک جهان مفهوم؛ مفهومی متعالی که شامل در آن، آدمی را به تکریم کار و کارگر وامی‌دارد. این کار است که رونق می‌آفریند در مسیر مأموریت‌آبادانی زمین که خدادر صدر فهرست تکالیف انسان نوشته است. این کارگر است که با انجام کار، به آن تکلیف بزرگ، جان می‌بخشد. همین کنش سازنده است که اقتضا می‌کند کارگر، قدر بیندو بر صدر نشیند اما در عک نه تنها در صدر، جای ندارد که در تحت قاعده اجتماعی می‌دارد لگد می‌خورد. روشن است که وقتی با کارگر – که قشر مولد جامعه را نمایندگی می‌کند- چنین برخورد شود، کار و تولید به محاق خواهد رفت؛ واقعیت تلخی که همین امروز هم نشانه‌های پررنگش به چشم می‌آید. امروز پدر و مادرهای زخم‌خورده از شرایط کارگری که بعد ازانشتستگی هم مضاعف می‌شود، به فرزندان خود می‌گویند اگر شده به‌در آبدار خانه سازمان‌های دولتی و نهادهای حکومتی، دست‌بیندازد اما یا به‌وادی تولید و کارگری نگذارید. حق هم دارند که بر اساس محاسبه دوده‌وتا، چهار تایی می‌کنند، به این نتیجه برسند و فرزند خود را به این راه بخوانند. قصه کار بیشتر و تحمل مشقت افزون‌تر و درآمد کمتر را هر سال بیشتر احساس می‌کنیم. نمونه کاملش را هم در ماجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان دیدیم که افزایش حقوق کشوری‌هاو لشکری‌هاییش از سه‌برابر بازنشستگان نامین اجتماعی بود و چنان‌که از خبرهایی‌توان دریافت، این‌ضربه‌در سال آینده هم ادامه‌دارد. بازنشسته کشوری و لشکری و... از‌بودجه عمومی، افزایش حقوق دارند اما بازنشسته کارگری، از سپرده خودش هم حقی ندارد و دولت، پول برداشته را در جای خود نمی‌گذارد تا کارگر بتواند دست‌در جیب خود کند و سفره‌اش را بیاورد. خبرهایی که از لایحه بودجه ۱۴۰۰ دولت و اقدامات کمیسیون تلفیق می‌رسد، همه‌نه‌تنها امید، برنمی‌انگیزد که‌نامیدی را هم مضاعف می‌کند. خب، وقتی قصه کارو کارگر این است، خدای می‌داند فردا چه‌بازی‌ای خواهد کرد روزگار با ما.

زین‌قیدار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

برخلاف زبان گفتار که ساده و روان است، عادت کرده‌ایم هنگام نوشتن، سخت و سنگین و زمخت بنویسیم. به کار بردن واژه‌هایی که گاه تصویری کنیم متن را مودبانه‌تر می‌کند، اتفاقا از صمیمیت می‌کند.

❶ دوستی می‌گفت: رتقم فروشگاهی چیزی بخرم بسته بود.

پشت شیشه نوشته بوده: «در صورت بسته بودن فروشگاه با این شماره تماس حاصل بفرمایید.»

گفتم: شما به جای «تماس حاصل فرمودن»، «تماس بگیر».

❷ نکته

درازنویسی ممنوع.

ساده بنویسیم.

#زین_قند_پارسی

حدیث روز

بهترین بندگی خدا صبر و رضاست.

امام رضا(ع)

۳۵٪ رطوبت هوا

۱۷°

۱۵°

۶°

اذان ظهر ۱۱:۴۵

غروب آفتاب ۱۶:۵۷

اذان مغرب ۱۷:۱۶

نیمه شب شرعی ۲۳:۰۲

اذان صبح فردا ۵:۰۵

طلوع آفتاب فردا ۶:۳۷

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۱۳۱۱۹۹
۳۶ صفحه ۲۱ صفحه ۴۰ صفحه ۴۰ صفحه ورزشی
۱۶ صفحه شهر را محله ۴۰ صفحه شهریانو
شماره ۳۲۱۴ | ۱۰۰۰ تومان

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

بریده خوان

من چندان به داشتن زندگی اطمینان ندارم

از من می‌خواهید کسی از زندگی ام بگویم و تصور تان این است که من زندگی‌ای داشته‌ام، اما چندان به داشتن آن اطمینان ندارم، زیرا فکر می‌کنم این زندگی است که ما را در بزن، وگرنه خود می‌زنم! این تصویر تکراری آدم احساس می‌کند زندگی کرده است؛ زندگی‌ای را به خاطر می‌آورد که از آن اوست، انگار خودش آن را برگزیده است. شخصا معتقدم انتخاب اندکی در زندگی‌ام داشته‌ام و همواره این تاریخ بوده است که به طور کلی و به معنای واقعی کلمه هدایت و به نوعی احاطه‌ام کرده است.

من در ۱۹۱۴ در روسیه متولد شدم، پدر و مادرم بازیگر تئاتر بودند و نخستین خاطراتم مربوط می‌شود به تئاتر و پشت صحنه‌ی نمایش. انقلاب شوروی را در ۱۹۱۷ به یاد دارم، در میدان سرخ روی زمین دراز کشیده بودم، صدای گلوله‌های توپ را می‌شنیدم و مادرم برای مراقبت از من در آغوشم کشیده بود. به یاد می‌آورم در سالن تئاتر بر روی شانه‌های سربازی یک ملوان ارتش شوروی نشسته بودم تا بتوانم مادرم را روی صحنه‌ی نمایش ببینم. مادرم بازیگر بزرگی نبود و این لحظه‌را خوب به خاطر دارم که روی صحنه تئاتر روستایی داشت می‌سوخت و

ساکنانش می‌خواستند آنجا را تخلیه کنند. مادرم در نقش زن بسیار مسنی بود که می‌بایست از عرض صحنه‌ی نمایش عبور می‌کرد. پس از اجرا، من با آن ملوان گریه‌های مادرم را در پشت صحنه دیدم. مدیر صحنه غوغایی به پا کرده بود، چون تنها حضور مادرم در این نمایش همان گذر از عرض صحنه بود و او نمی‌خواست عبور کند، ایستاده بود و بعد خیلی آرام راه رفت، لازم بود کسی به بیرون صحنه هلش دهد، زیرا این تنها نقشی بود که به عهده داشت.

در نه سالگی شروع کردم به نوشتن به زبان روسی. پس از آن، مهاجرت‌های پیوسته شروع شد: نخست در ۱۹۲۱ در هفت سالگی، درست پس از جنگ روس‌ها و لهستانی‌ها، به لهستان سفر کردم و سپس در چهارده سالگی به فرانسه، اما اجازه دهمید به ترتیب زمانی بگویم. من پیش از هر چیز نویسنده هستم، ولی نخستین تجربه‌ی ادبی‌ام تر جمعی شعر ی از پوشکین به نام شاخه‌ی فلسطین از روسی به لهستانی بود. آن زمان در ورشو بودم. همچنان که پس از این خواهم گفت، چهار بار فرهنگم را تغییر دادم. از فرهنگ روسی به فرهنگ و ادبیات لهستانی گذر کردم، سپس در چهارده سالگی، در فرانسه به فرهنگ و ادبیات این کشور

مطهری و هنر « زلال اندیشیدن»

نگاهی به زندگی متفکر و نویسنده شیعه به بهانه زادروزش

مطهری بعد از اوج گیری مبارزات مردم ایران علیه نظام پادشاهی پهلوی در سال ۱۳۳۲ منتشر کرد و از سال ۱۳۳۴ به تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران مشغول شد. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و در پی اعتراض‌های مردم به نظام سلطنتی پهلوی که آیت‌ا... خمینی را بازداشت کرده بودند، مطهری نیز به‌همراه عده‌ای دیگر از روحانیان، زندانی و پس از ۴۳ روز آزاد شد. بعد از قیام ۱۵ خرداد همکاری با جمعیت‌های متولفه اسلامی را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۴ به‌خاطر انتشار دو جلد کتاب داستان راستان، به دریافت جایزه از یونسکو موفق شد.

بیش از ۷۰ اثر از مطهری انتشار یافته است. برخی آثار او در زمان حیات و برخی دیگر پس از درگذشتش چاپ شده است. سخنرانی‌ها و درس‌های مطهری نیز در مجله‌های مختلف چاپ و منتشر شده، همچنین نزدیک به ۳۰ هزار برگ یادداشت و فیش تحقیقی از وی باقی مانده است.



مربیه برای نوزادی که زاده شد

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱ - ۵
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



تغییر معنادر منوی برخی رستوران‌ها اضافه شدن «زرشک‌پلو با اسکلت مرغ» و «برنج و دنبه»

علیرضا پاکدل

کیبوسک



نشنال جئوگرافیک

بیش از یک سال از همه‌گیری کرونا در جهان می‌گذرد و نسخه فرانسوی مجله «نشنال جئوگرافیک» به این بهانه در مطلبی به موضوع ویروس‌ها پرداخته و این پرسش را مطرح کرده است که «برخلاف همه چیز، چرا(و بیروس‌ها) برای زندگی ضروری هستند؟» این مجله، تیترا «از ویروس‌ها» را برای مطلب خود انتخاب کرده است.



نیویورکر

طرح جلد شماره اخیر مجله نیویورکر، کاری از «بری بلیت» است که بارها طرح‌های انتقادی‌اش از ترامپ روی جلد این مجله چاپ شده است. او تیترا این طرح را «لنگری که بالا کشیده شد» گذاشته است. به باور وی، سازوکار دموکراتیک در آمریکا سرانجام موفق شد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین این کشور، را که به قدرت چسبیده بود، از جایش جدا کند.



اشپیگل

این هفته‌نامه که از رسانه‌های معتبر آلمان است، از نظر ساختار شباهت زیادی به مجله‌های تایم و نیوزویک دارد. «اشپیگل» در آخرین شماره، صفحه اول و پرونده اصلی‌اش را به حیوانات خانگی اختصاص داده است که مدتی است به‌دلیل همه‌گیری کرونا در جهان، بازار داغی پیدا کرده‌اند.

مجله عصر شرکار هجده شصت



برای خواندن مجله عصر شهر آرا کد را اسکن کنید

